

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۲ اپریل ۲۰۱۱

آزادی در انتخاب لباس، حق اولی هر انسان است

برای جلوگیری از هر نوع سوءتفاهم و برچسب زنی لازم است اندکی در مورد خود بنویسم: از ۴۰ سال بدین سو در المان زندگی می نمایم در همین جا تحصیل نموده و تا حال به کارم ادامه می دهم. در تمام مدت عمر چه آنگاهی که در افغانستان بودم و چه هم از زمانی که در المان هستم، نه مناسبات سنتی جامعه و نه هم معتقدات مذهبی توانسته آزادی و حق را در چگونگی انتخاب لباس محدود و مرا وادار به استفاده از حجاب اسلامی نماید و فکر می کنم تا زنده هستم هیچ نیروئی هم قادر نخواهد شد تا بر این حق پا گذاشته و وادارم سازد تا مطابق این فیصله و یا آن فیصله دولتها و یا احکام مذاهب نوعیت لباسم را تغییر دهم. نفرت فردی ام مقابل حجاب به اندازه ای است که اگر کسی بخواهد به زور "چادری" را بر من بپوشاند، آنقدر برایم تحمل ناپذیر است که گوئی یک زن محببه را کس و یا کسانی وادار سازد تا برهنه و بدون لباس به بازار آید. حال برگردیم به دلیل نوشتن این مختصر:

آنهایی که با رسانه ها سروکار دارند به یقین متوجه شده اند که از امروز یعنی تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۱، به اساس یک فیصله ضد انسانی و خلاف کرامت بشری دولت فرانسه، زنها حق ندارند با حجاب اسلامی به خصوص با مقنع و یا نقاب و روبند در دفاتر و یا مجامع عمومی ظاهر شوند. متخلف به علاوه آن که ۱۵۰ یورو باید جریمه بپردازد مکلف هم است تا با شرکت در یک دوره آموزشی شهروندی آن حقارت را نیز تحمل نماید.

خواندن و یا شنیدن چنین خبری برای آنهایی که ظرفیت تعمق کافی در قضایا را ندارند و چون لوده های سیاسی فقط عاشق و شیفته طواهر تمدن غرب اند و یا به قضایای اجتماعی انتقام جویانه می خواهند برخورد نمایند، شاید موجب شادمانی و سرور گردد، مگر در صورتی که ابعاد مختلف این قضیه به دقت مورد بررسی قرار گیرد، مطمئن هستم هیچ وجدان شریفی از چنین عمل زشتی خوشحال نخواهد گردید. زیرا:

۱- این که کشور های چندی زیر عنوان دفاع از آزادی و رفع حجاب، همیشه خواسته اند فقط به ارتباط لباس و یا وضع ظاهری زنها مداخله نموده قانون وضع نمایند، بدون آن که به طرز لباس مردها از لنگی گرفته تا شاپو، چلتار، کلاه های لنینی و امثالهم و از دریشی های رسمی تا دامن های سکاتلندی و غیره کمترین حرفی رد و بدل نمایند، با هر پوشش محیلانه ای که این تلاش ها پوشانده شود، چیزی نیست مگر تبارز صریح حاکمیت

مردسالارانه. همان حاکمیتی که در جایی با دره اسلامی تأمین می گردد و در جای دیگر با جریمه ۱۵۰ دالر جریمه. در هر دو حالت این زن است که باید خود را تابع فرهنگ مرد سالار بسازد و رنه مجازات خواهد شد.

۲- در این نوع تلاشها، هدف اساسی استفاده از لباس که در آغاز نه تابع مذهب بود و نه هم تابع قانون و فقط به منظور محافظت بدن در مقابل سردی و یا گرمی مورد استفاده قرار می گرفت، نادیده گرفته شده کوشش به عمل می آید تا حیطة نفوذ قانون و یا مذهب را در طبیعی ترین عکس العمل های انسان در مقابل طبیعت نیز گسترش دهند. به عبارت دیگر، این نوع قوانین دست انسان به خصوص زنها را در چگونگی مبارزه علیه طبیعت نیز بسته آنها را مقهور اراده مذاهب و دولتها می سازد.

۳- وضع و تطبیق چنین قوانینی مداخله صریح و آشکار دولتها و یا مذاهب است برای محدود ساختن آزادیهای فردی یک انسان در انتخاب لباس و نوع پوشش. وقتی صحبت از حق آزادی انتخاب لباس به میان می آید، نباید از آن چنان استنباط نمود که تنها رژیم های عقب مانده و قرون وسطائی از قماش عربستان سعودی، جمهوری های اسلامی ایران، پاکستان و دولت دست نشانده افغانستان و یا سایر کشور های اسلام زده قانون استفاده اجباری از حجاب را وضع می نمایند، آزادی زنها را در حق انتخاب آزاد لباس زیر پا نموده اند، بلکه عکس آن نیز وقتی دولتی از قماش دولت ارتجاعی و آزادی ستیز فرانسه می خواهد هم و غم خود را متوجه روسری و یا روبند زنها بنماید، این عمل هم با تمام ظواهر ترفیخواهانه، عقب مانده ترین حرکتیست که در نخستین دهه های قرن ۲۱ از طرف یک دولت اروپائی روی دست گرفته می شود. این حرکت و سکوت در قبال آن به دولتهای مرد سالار حق می دهد تا طبیعی ترین حقوق زنها را نیز مورد تهاجم قرار داده و از جنس زن بازچه هائی بسازند که متناسب با خواست آنها باید به بازار کار سرمایه خود را تقدیم نماید.

۴- اجازه دادن به دولتهائی از قماش دولت فرانسه به تعیین نوع لباس زنها و آنها را در چنین تصمیم گیری ذیحق دانستن، غیر مستقیم سرسائیدن به تصمیم دولت های رقیب آنها از قماش عربستان و جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد. چه در صورتی که به دولت فرانسه این حق داده شود تا به بهانه واهی همگونی با اکثریت، چادر و روبند از سر زنها بردارد، همین تفکر احمقانه اکثریت گرایانه و نادیده گرفتن حقوق اقلیت ها به عربستان سعودی و ایران نیز آن حق را می دهد تا به همان بهانه، به جای روبند گونی مرگ و اسارت را نیز بر سر زنها بکشند.

بادر نظر داشت، نکاتی که در بالا تذکار یافت از طرف خود به صراحت ابراز می دارم - امیدوارم که پورتال و قلم به داستان آگاه آن نیز مرا در چنین حرکتی تنها نگذارند- که تصمیم دولت کنونی فرانسه که از یکی از جنایتکار ترین دولتهای آن کشور در طول تاریخ پر از فراز و نشیب آن است به همان قدر ارتجاعی، ضد کرامت انسانی، زن ستیز و ضد آزادی های اولی انسان است که دولتهائی در زیر حاکمیت ملا عمر ها، خامنه ای ها، و ملک فهد ها اند. این ها دو روی یک سکه اند. بر تمام انسانهای شریف و آزاده است تا علیه چنین تصمیم ضد انسانی دولت فرانسه موضع گرفته به **لوده های سیاسی** که مبلغ و مدافع سیاست های ارتجاعی و عقب گرایانه دولت فرانسه و نیروهای دست راستی آن می باشند، فرصت تحمیق و تخدیر افکار عامه را مساعد نسازند.

من نوعی که در طول عمر خود روبند نبسته ام، حاضرم برای حق زنها در انتخاب آزادانه لباس در کنار زنان مبارزی که برای حق خود مبارزه می نمایند ایستاده و به کسی این اجازه راندم تا در مورد چگونگی لباس من تصمیم بگیرد. بدن از خود زنهاست دلشان می خواهد آن را ببوشانند و یا برهنه نمایند، به هیچ دین و دولتی اجازه دخالت را نباید داد.